

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۵

بررسی نقش کشاورزی در پایداری جمعیت روستایی (مورد مطالعه: بخش دهدز؛ شهرستان ایذه)

هدایت الله نوری

دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جغرافیا، دانشگاه اصفهان

حجت اله صادقی، هادی راستی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

هدایت الله درویشی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

محصولات با توجه به تغییرات کشت و زرع، کمک قابل توجهی به پایداری و ثبات جمعیت روستایی نشده است؛ بنابراین بخش کشاورزی منطقه مورد مطالعه با توجه به آزمون (T تک نمونه‌ای) و عدد به دست آمده (کمتر از ۰/۰۵)، به دلیل ضعف ساختاری و شاخص‌های وابسته به آن، در جلوگیری از مهاجرت‌ها و پایداری جمعیت تأثیرگذار نبوده است و این بخش با توجه ضعف‌های آن، دلیل استواری برای ماندن روستاییان نمی‌باشد.

کشاورزی از جمله بخش‌های مهم اقتصاد روستایی است. به گونه‌ای که این بخش، تأثیرات فراوانی بر روی وضعیت اقتصادی و فعالیت‌های دیگر روستایی دارد. کشاورزی در صورت وجود شرایط مناسب، از عوامل تثبیت جمعیت، جلوگیری از مهاجرت و همچنین از ارکان مهم در راستای توسعه پایدار روستایی به شمار می‌رود. هدف این پژوهش بررسی نقش و تأثیرگذاری کشاورزی در پایداری جمعیت روستایی، به صورت مطالعه موردی در بخش دهدز، شهرستان ایذه است. روش تحقیق بر مبنای هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش ۱۹۳۰ خانوار ساکن در بخش دهدز بوده که بر اساس فرمول کوکران، نمونه آماری مورد پرسش تعداد ۲۳۴ سرپرست خانوار تعیین گردید. نتایج پژوهش بیانگر آن است که شاخص‌های اقتصادی و زیربنایی (کمبود اشتغال‌زایی، کمبود درآمد، کمبود تسهیلات و ضعف ساختاری و... در بخش کشاورزی، در زمینه ناپایداری جمعیت و روند افزایشی مهاجرت‌ها تأثیرگذار بوده است. از طرف دیگر با وجود بهبود متوسط تولید در برخی

کلمات کلیدی: نقش کشاورزی، اقتصاد روستایی، پایداری جمعیت.

۱- مقدمه

توسعه در هر مکانی نیاز به ایجاد ساختارها و شبکه‌های منظم و متقابل دارد. به گونه‌ای که نوع ارتباط اجزا در مکان، پایداری آن را حفظ می‌کند. محیط روستایی نیز که به عنوان یک سیستم تلقی می‌شود، از این قاعده، مستثنی نیست.

ساختارهای مختلف محیطی، انسانی و فناورانه و همچنین عدم توان در درآمدزایی برای جمعیت روستایی، انگیزه تغییر مشاغل و فعالیت به وجود می‌آید، به گونه‌ای که رغبت روستائیان به کشاورزی کاهش و انگیزه آن به مشاغل صنعتی، خدماتی و... افزایش می‌یابد. در نتیجه زمینه برای مهاجرت به شهرها جهت دسترسی به مشاغل غیر کشاورزی با وجود می‌آید و به مرور زمان از جمعیت روستاها کاسته شده و عدم پایداری و تثبیت جمعیت روستایی شکل می‌گیرد (Richardson, 2006, 80). همان‌طور که امروزه در بسیاری از روستاها، جمعیت آنها نسبت به گذشته کاهش زیادی داشته است.

لذا در این مقاله آنچه مدنظر و هدف می‌باشد، بررسی نقش و جایگاه کشاورزی در پایداری جمعیت روستایی است. ذکر این نکته مهم است که این موضوع به صورت یک مطالعه موردی، در بخش دهدز شهرستان ایذه، انجام می‌گیرد که در بسیاری از روستاها با توجه به توان موجود برای بخش کشاورزی، روند کاهش جمعیت وجود دارد، به طوری که جمعیت روستایی بخش مذکور در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ دارای رشد منفی (۳/۵۵- درصد) بوده است و بر اساس آمارهای موجود طی ۵ سال گذشته حدود ۴۶۵۳ نفر از ساکنان روستایی منطقه به شهرها مهاجرت کرده‌اند.

در این منطقه تا قبل از ایجاد راه‌اندازی، سد کارون سه، فعالیت‌های مهم دامداری، زراعت و باغداری، در اولویت بوده است، اما به مرور زمان و وقوع تحولات اقتصادی از نظر درآمدزایی در سطح خانوارهای روستایی، قدرت بخش کشاورزی کاهش یافت. امروزه با آبیگری سد کارون سه توان بیشتری در زمینه کشت آبی، وجود دارد که می‌تواند در رونق بخش کشاورزی و به تبعیت از آن در ثبات جمعیتی روستاها مؤثر باشد. از این رو به نظر می‌رسد که بخش کشاورزی نتوانسته در پایداری جمعیت روستایی و ممانعت از مهاجرت‌های روستا- شهری نقش سازنده‌ای ایفا کند؛ بنابراین

بر این اساس اگر توسعه روستایی را همانند نظر مهاتما گاندی، تبدیل روستا به مکان قابل زیست و متناسب با رشد و تعالی انسان (سعیدی، ۱۳۸۵، ۱۵۶) بدانیم، باید به تمامی ساختارهای موجود در محیط روستایی اعم از انسانی و طبیعی توجه نمود تا بتوان مکان متناسب با شخصیت انسان روستایی را ایجاد و بهبود بخشید. تجربه توسعه به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که توسعه روستایی نقش مهمی در رسیدن به اهداف توسعه در سطح ملی دارد، به گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران، توسعه روستایی را موتور محرکه توسعه در کشورهای جهان سوم به‌خصوص در مراحل اولیه توسعه دانسته و دستیابی به آن را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند (جمعه پور، ۱۳۸۵: ۵۵). یکی از بخش‌های مهم توسعه نواحی روستایی، بخش کشاورزی و ساختارهای موجود در آن می‌باشد؛ که در واقع می‌توان گفت توسعه کشاورزی و توسعه روستایی غیرقابل تفکیک از یکدیگر هستند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۲). به واسطه وجود همین ارتباط تنگاتنگ، توسعه کشاورزی در قالب توسعه روستایی مفهوم پیدا می‌کند. از سوی دیگر توسعه کشاورزی به منظور اعمال تغییرات و تحولات مطلوب جهت وسعت بخشیدن به زمینه‌ها، گسترش دامنه فعالیت‌ها، بسط امور و افزایش عملکردها، توسعه نواحی روستایی را به دنبال خواهد داشت (شهبازی، ۱۳۷۲: ۱۰). بر اساس آنچه بیان شد، بخش کشاورزی از گذشته تا کنون نقش و جایگاه بارزی را در اقتصاد روستایی ایفا نموده است، چرا که بنیان اولیه اقتصادی روستاها، کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن بوده است. بر این اساس از پیامدهای مهم و تأثیرگذار بخش کشاورزی، اثرات اجتماعی آن از جمله در زمینه مهاجرت‌های روستا- شهری، تثبیت و پایداری جمعیت روستایی یا تخلیه جمعیتی روستاها هست. از این رو تا زمانی که توان طبیعی و انسانی موجود برای کشاورزی در محیط مهیا باشد، انگیزه ماندگاری روستائیان وجود دارد، اما در صورت ضعیف بودن

در پژوهش حاضر جهت دستیابی به هدف موردنظر به این سؤال اساسی که «آیا شاخص‌های اقتصادی و زیربنایی بخش کشاورزی موجود در منطقه، در روند افزایشی مهاجرت‌های روستایی مؤثر بوده است؟» پاسخ داده می‌شود.

مفاهیم و مبانی نظری

توسعه بخش کشاورزی از خطرترین اهداف در نظام برنامه-ریزی به شمار می‌رود، که در صورت رکود آن، نه تنها کشاورزی بلکه بخش صنعت و دیگر بخش‌ها نیز دچار ضعف اساسی شده و در نهایت رشد اقتصادی متوقف می‌گردد (Gillis et al, 1992). در حیطه عوامل اصلی مؤثر بر توسعه بخش کشاورزی بسیاری از نظریه‌پردازان به نقش نیروی انسانی در تحول این بخش و نهایتاً توسعه روستایی تأکید ویژه‌ای داشته و دارند. آنان معتقدند هرگونه تغییرات کمی و کیفی در سرمایه انسانی می‌تواند به تغییرات عمده در تولید محصولات کشاورزی منجر شده و بهره‌وری این بخش را تحت تأثیر قرار دهد (Contò et al, 2011: 1777؛ Devitiis and Maietta, 2009). حال می‌توان تأثیرات بخش کشاورزی را بر جمعیت بررسی نمود. به گونه‌ای که تغییرات اقتصادی و اجتماعی آن، در محیط‌های مختلف پیامدهای گوناگونی را به وجود می‌آورد.

امروزه کشاورزی تنها به‌عنوان تأمین‌کننده نیازهای معیشتی مردم نیست، بلکه به‌عنوان زمینه مناسب در جهت تأمین و تولید کالاهای صادراتی به‌منظور تأمین ارز و سازمان‌دهی امور اقتصادی به‌عنوان بخش تجاری در اقتصاد جهانی برای کشورهای کم‌درآمد و پردرآمد عمل می‌نماید (shivr, 2005: 89-91). از آنجا که بخش کشاورزی از نظر تأمین نیازهای غذایی مردم، تأمین مواد اولیه صنایع، اشتغال افراد و ایجاد درآمد اهمیت دارد، ثبات و استمرار رشد بخش کشاورزی از عوامل عمده کمک‌کننده به ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی جامعه به شمار می‌آید (Irish LEADER Network, 2000:11) توسعه کشاورزی نیز به‌نوبه خود

بخش عمده‌ای از فرآیند توسعه روستایی را به عهده دارد (نگینی فرد، ۱۳۹۰، ۵). عدم توسعه بخش کشاورزی منجر به مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان به شهرها، بیکاری فزاینده و خصوصاً بیکاری پنهان، تشدید فقر و در نهایت به مخاطره افتادن امنیت غذایی می‌شود. جمعیت زدایی و تخلیه روستاها یکی از مهم‌ترین معضلات جامعه روستایی است و بدون شک مهاجرت‌های روستایی مهم‌ترین عامل جمعیت زدایی به حساب می‌آید (میکائیکی و قالیبافان، ۱۳۸۲: ۱۶۵). فعالیت‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه بخش کشاورزی (دامداری، زراعت، باغداری، شکار و ماهیگیری) در روستاها می‌توانند به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل کنند. البته از این موضوع نباید غافل شد که در پایداری جمعیت عوامل دیگری مانند خشک‌سالی‌ها، تغییرات اقلیمی، کمبود امکانات در زمینه‌های مختلف در روستاها، نیز تأثیرگذار می‌باشند و وجود امکانات در شهرها و دسترسی به آن‌ها در کنار مشاغل باصرفه اقتصادی بالاتر نسبت به کشاورزی، نیز در این مورد مؤثر است؛ بنابراین با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در توسعه ملی، ایجاد بسترهای لازم کشاورزی روستایی متناسب با دنیای امروز، دادن انواع تسهیلات بخش کشاورزی، حمایت‌های لازم و غیره می‌تواند در جهت تثبیت جمعیت و توسعه خود این بخش و توسعه روستایی نقش به‌سزایی داشته باشد.

با توجه به اینکه عدم پایداری جمعیت منجر به مهاجرت‌های بی‌رویه می‌شود، لذا موضوع موردبررسی در نهایت بحث مهاجرت‌های روستایی به شهرها را بازگو می‌کند. مهاجرت مقوله‌ای تازه‌ای نیست و می‌توان گفت پدیده‌ای است که کشورهای مختلف، برخوردهای متفاوتی با آن دارند. پدیده مهاجرت نتیجه و حاصل برخورد عوامل جذب‌کننده و دفع‌کننده محیطی و فردی سرزمین‌هاست و این مسئله همیشه مورد توجه جغرافیدانان و برخی جامعه‌شناسان است (بیک محمدی و همکار، ۱۳۸۲: ۴۷). در این میان، مهاجرت‌های روستایی - شهری به دلیل پیامدهای اقتصادی - اجتماعی آن،

این دیدگاه، دو دسته عوامل برای بیان حرکت و علت مهاجرت در نظر گرفته‌اند: یکی عوامل تغییردهنده دیگری عوامل رکودی. عامل تغییردهنده به دگرگونی‌های مبتنی بر فناوری و مکانیزه شدن کشاورزی اشاره دارد که این عمل سبب بیکاری یا کم کاری کشاورزان می‌شود که در نتیجه روستاییان را مجبور به مهاجرت می‌کند. عامل رکودی که در بررسی حاضر تحت عنوان علل جمعیت‌شناسی مهاجرت معرفی می‌شود زمانی مؤثر است که رشد جمعیت به دلیل بهبود نسبی وضع بهداشت و درمان، از تولیدات کشاورزی سنتی سبقت بگیرد و نیروی کار مجبور به حرکت شود (همان: ۵۷).

در زمینه موضوع مورد بحث به طور غیرمستقیم، در مورد بحث ناپایداری جمعیت و مهاجرت تحقیقاتی انجام شده است. از جمله در تحقیقی تحت عنوان کیفیت زندگی در روستاهای کرواسی، ماندن یا ترک روستاها مشخص شد که یک پنجم جامعه مورد مطالعه تصمیم دارند، روستا را ترک کنند؛ که دلایلی مانند کمبود امکانات در برخی نقاط، ضعف زیرساختی خدمات کشاورزی، عدم حمایت لازم به ویژه در بخش دامداری، پیری جمعیت و عدم توانمندی، نبود برنامه ریزی در زمینه صنایع روستایی و... در این زمینه نقش دارند. (ivo & et al, 2010: 659). در تحقیق دیگری ملاحظه می‌شود که تخلیه جمعیتی باعث ترک اراضی کشاورزی سنتی، بروز زیان‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، تخریب و نابودی تنوع زیستی، جنگل، آتش سوزی و زوال کلی چشم‌انداز ۱۰۰۰ ساله شده است (itziar & et al, 2008: 673). در اروپا فرسایش اراضی، کاهش حاصلخیزی خاک، قرارگیری در معرض بازارهای جهانی، گرایش به سوی تولید محصول در مقیاس بزرگ، فشارهای اقتصادی در برخی سیستم‌های کشاورزی، نظام دامداری حاشیه‌ای و... تخلیه و ناپایداری جمعیت روستایی را به دنبال دارد (keenley & tucker, 2010: 4).

بیش از سایر پدیده‌های جمعیتی مورد توجه قرار گرفته است (Balan, 1996: 9). مهاجرت‌های روستا-شهری به عنوان جزء لاینفک فرایند توسعه اقتصادی مطرح هست، به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان، توسعه اقتصادی را معادل انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت تعریف می‌نمایند (Lewis, 1954; Fei and Ranis, 1961). در خصوص مهاجرت‌های روستا-شهری تاکنون دیدگاه‌های زیادی مطرح گردیده است. در این زمینه دیدگاه‌هایی همانند کارکردگرایی، وابستگی و... مطرح هستند. با تأکید بر علل مهاجرت از روستا به شهر به چند مورد از نظریه‌های فوق اشاره می‌شود تا بتوان به دیدی جامع دست یافت.

کارکردگرایان معتقدند که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوب نظام‌های اجتماعی آموخته می‌شوند. کنشگران در هر نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی‌تواند آن‌ها را برآورده کنند. از این رو ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان تحصیل آن در کنشگر یا در نظام یا در هر دو اتفاق بی‌افتد. درک ناهماهنگی‌های بین خصایص فرد و نظام اجتماعی منجر به مهاجرت شخص جهت کاهش ناهماهنگی‌های ساختی می‌شود (لهسائی زاده، ۱۳۶۸: ۶۱). کاظمی پور با استفاده از این نظریه در تبیین علل مهاجرت روستاییان به شهر تهران می‌گوید: از آنجا که نیازهای اجتماعی افراد در محیط‌های روستایی برآورده نمی‌شود و در تعدادی از شهرها پاسخ مناسبی برای آن‌ها وجود دارد، از این رو گونه‌ای عدم تعادل میان جوامع روستایی بوشهری ایجاد می‌شود روستاییان برای ارضای نیازهای خود مهاجرت می‌کنند» (قاسمی اردهالی، ۱۳۸۵: ۵۷). دیدگاه وابستگی، مهاجرت را نتیجه انتقال ساختی روستاها از نظام سنتی - زمین‌داری به نظام صنعتی و ادغام آن‌ها در نظام سرمایه‌داری وابسته می‌داند. از این رو تکیه این دیدگاه در بررسی مهاجرت‌ها، روی ساخت اقتصاد جهانی است نه بر توسعه انفرادی یک کشور. صاحب‌نظران

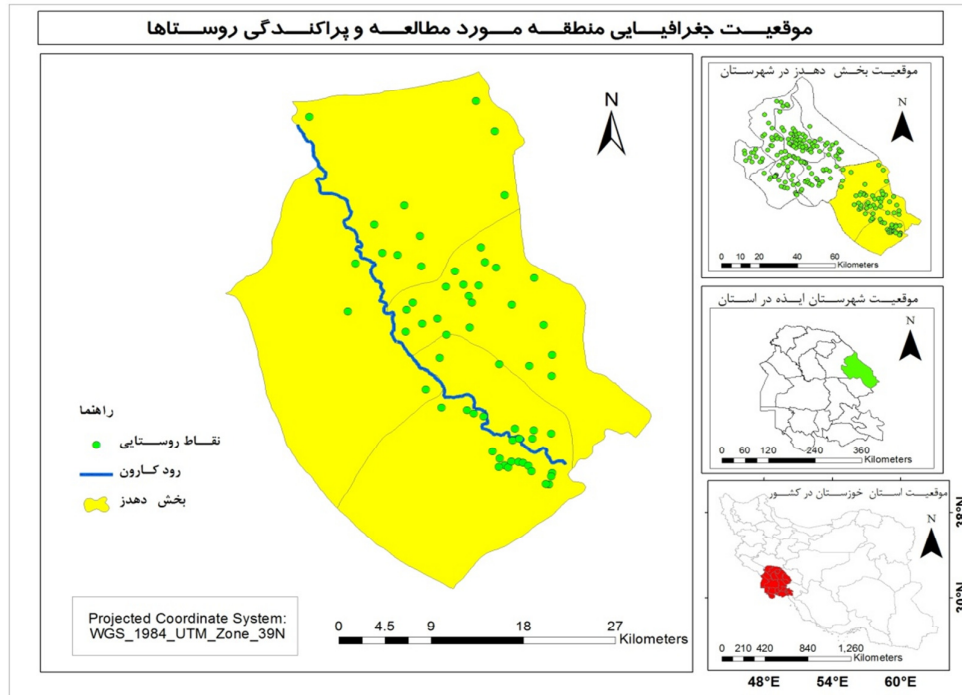
روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعات میدانی (پیمایشی)، استفاده شده است. مطالعات میدانی مبتنی بر تکمیل پرسش‌نامه از ساکنان روستایی بخش دهدز شهرستان اینده است. با توجه به تعداد روستاهای دارای سکنه منطقه که بالغ بر ۱۰۱ روستا می‌باشد، تعداد ۲۰ روستا به صورت تصادفی بالای ۶۰ خانوار دارای دهیاری، به عنوان نمونه، برای پرسش‌گری تعیین شدند^۱. جامعه آماری پژوهش، تعداد ۱۹۳۰ خانوار می‌باشد. با توجه به حجم جامعه آماری و عدم دسترسی و زمان‌گیر بودن، نمی‌توان تمامی جامعه را مورد پرسش قرارداد. لذا بر اساس فرمول کوکران، نمونه آماری مناسب با ضریب خطای ۰/۰۶، به تعداد ۲۳۴ خانوار انتخاب و پرسش‌گری در سطح خانوارهای روستایی انجام گرفت. در نهایت داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل و استنتاج قرار گرفتند. در بخش آمار استنباطی از T تک نمونه‌ای استفاده گردید. به منظور سازگاری درونی و روایی پرسشنامه گویه‌های طرح‌شده، از ضریب آلفای کرون باخ استفاده شد و برای این منظور تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل و پیش‌آزمون گردید. ضریب آلفای به دست آمده ۰/۷۹ محاسبه شد.

معرفی محدوده مطالعه

منطقه مورد مطالعه بخش دهدز شهرستان اینده در شمال شرقی استان خوزستان، در عرض ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۵۰ دقیقه پهنای شمالی و ۴۹ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۲۰ دقیقه درازای خاوری نسبت به گرینویچ واقع شده است، که از شرق و شمال شرق به شهرستان‌های فارسان و کوهرنگک و از شمال و شمال غرب به شهرستان مسجدسلیمان، از جنوب و جنوب غرب به استان کهگیلویه و بویراحمد و شهرستان باغ‌ملک منتهی می‌شود. مرکز این بخش در دامنه کوه‌های زاگرس با ارتفاع ۱۶۴۱ متری از سطح دریا و در ۱۵۶ کیلومتری از مرکز استان خوزستان قرار دارد. میزان باران سالانه بخش دهدز به طور متوسط ۶۵۶ میلیمتر است که در فصل زمستان گاهی در ارتفاعات به صورت برف نازل می‌شود. متوسط درجه حرارت نیز ۲۴ درجه سانتی‌گراد است. بخش دهدز شامل سه دهستان مرکزی، دنباله رود شمالی و دنباله رود جنوبی می‌باشد. (میکائیکی و صادقی، ۱۳۹۱: ۵۴). که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، دارای جمعیتی معادل ۲۳۷۴۵ نفر بوده است؛ که از این تعداد ۳۵۶۷ نفر در نقطه شهری دهدز و ۲۰۰۳۴ نفر در نقاط روستایی سکونت دارند. تعداد آبادی‌ها بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱۲۷ آبادی بوده که تعداد ۱۰۱ آبادی دارای سکنه و مابقی خالی از سکنه است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

۱ - روستاهای دارای دهیارها با توجه به خصوصیات آن‌ها مورد تأکید بوده‌اند. توضیح اینکه با توجه به تغییرات جمعیتی در روستاهای منطقه و تخلیه بسیاری از این مکان‌ها و یا پایین بودن جمعیت آن در سطح چند خانوار، روستاهای دارای دهیاری که جمعیت بالای ۲۰ خانوار داشته‌اند و همچنین کشاورزی و فعالیت‌های دیگر در این روستاها وجود دارد، مورد توجه قرار گرفتند. در واقع روستاهای دارای دهیاری با توجه به تعداد جمعیت، وضعیت ساختارهای اجتماعی و کالبدی، کشاورزی، امکانات مختلف و... بهتر می‌توانند پاسخ‌های تحقیق را ارائه دهند و نتایج تحقیق قابل استنادتر هستند.



شکل (۱): نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مطالعه

جدول (۱): وضعیت کشاورزی در بخش دهدز ۱۳۸۲-۱۳۹۰

سال	اراضی قابل کشت (هکتار)	اراضی آبی (هکتار)	اراضی دیم (هکتار)	سطح زیر کشت محصولات زراعی (هکتار)
۱۳۸۲	۲۶۶۹۹	۲۱۳۲	۲۴۵۶۷	۱۹۰۵۴
۱۳۹۰	۱۹۴۵۱	۲۰۴۵	۱۹۲۴۷	۱۴۷۶۱

(منبع، جهاد کشاورزی شهرستان ایذه، سالنامه آماری کشاورزی، ۱۳۹۲)

جدول (۲): تعداد بهره‌برداران در بخش‌های مختلف کشاورزی در بخش دهدز ۱۳۸۲-۱۳۹۰

مورد	سال	زراعت	باغداری	دامداری	تعداد بهره‌برداران	بهره‌برداران کل شهرستان
تعداد بهره‌بردار کشاورزی	۱۳۸۲	۵۲۳۴	۱۰۲۳	۲۶۴۷	۸۹۰۴	۱۸۷۲۶
	۱۳۹۰	۴۸۷۹	۹۱۲	۱۰۲۳	۶۸۱۴	۱۷۸۱۴

(منبع، جهاد کشاورزی شهرستان ایذه، سالنامه آماری کشاورزی، ۱۳۹۲)

جدول ۳: وضعیت مهاجرت از روستاهای بخش دهدز به شهر ۱۳۸۲-۱۳۸۹

سال	تعداد مهاجرت روستاهای شهرستان	مهاجر فرستی روستاهای بخش دهدز	مهاجر فرستی روستاهای نمونه
۱۳۸۵	۱۲۸۷۶	۷۶۴۸	۴۱۵۸
۱۳۹۰	۸۹۲۰	۴۶۵۳	۲۹۸۶

(منبع، معاونت برنامه‌ریزی استانداری خوزستان، گزارش اقتصادی اجتماعی شهرستان ایذه، ۱۳۹۲)

منابع و نیروی ایران، اقدام به خریداری اراضی و روستاهای تحت آبرگیری سد کارون سه نموده است، در واقع در یک برهه زمانی، میزان نقدی بسیاری در اختیار روستاییان قرار داده شد، بدون آنکه مدیران در جستجوی راه‌حلی در راستای پایداری و حفظ جمعیت روستایی باشند. در نتیجه میزان مهاجرت روستاییان با توجه به عوامل ذکر شده و جابجایی صورت گرفته بیشتر بوده و بیشتر روستاییان به شهر ایزده مهاجرت نمودند. البته بر اساس آمار ۱۳۹۰، میزان مهاجرت‌ها ادامه داشته است، ولی روند آن کمتر شده است؛ که عوامل مختلفی از جمله کمبود اراضی متناسب با مکانیزاسیون، پیری جمعیت روستاها و عدم تمایل جوانان به ماندن در روستا، وابستگی اقتصاد متکی بر دامداری در کنار کشت که در نتیجه؛ تخریب اقتصاد دامداری، روند کشت را نیز کاهش داده و عدم پایداری را سبب شده است.

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

از میان کلیه پاسخ‌دهندگان نمونه ۵۸/۵ درصد مرد و ۴۱/۵ درصد زن بود. از نظر تحصیلات ۲۳/۵ درصد کاملاً بی‌سواد، ۲۲/۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۷/۸ درصد راهنمایی، ۱۴/۵ درصد دیپلم، ۶/۴ درصد فوق‌دیپلم و ۵/۱ درصد لیسانس و بالاتر هستند. به لحاظ وضعیت شغلی ۱۱/۱ درصد افراد نمونه دارای شغل زراعت و باغداری، ۱۳/۷ درصد دامداری، ۳۳/۸ درصد دارای مشاغل صنعتی، ۲۶/۱ درصد خدماتی و ۱۵/۴ درصد سایر مشاغل می‌باشند. از لحاظ مدت سکونت ۱۴/۱ درصد افراد نمونه گفتند که کمتر از ۱۰ سال است که در روستا سکونت دارند، ۲۸/۲ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۳۵ درصد ۲۰ تا ۴۰ سال و ۲۲/۶ درصد بیش از ۴۰ سال را اظهار کردند. از نظر رضایتمندی از محل سکونت ۴۶/۲ درصد پاسخ‌دهندگان اظهار رضایت و ۵۳/۸ درصد آن‌ها از زندگی در محل سکونت خود اظهار نارضایتی نمودند.

مقایسه وضعیت کشاورزی بر اساس سال ۱۳۸۲ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که سطح زیر کشت محصولات در بخش دهدز، روند کاهشی داشته است. به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۲ میزان ۱۹۰۵۴ هکتار سطح زیر کشت وجود داشته که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۱۴۷۶۱ کاهش پیدا کرده است که علاوه بر تغییرات اقتصادی در زندگی روستاییان، مانند کاهش اقتصاد متکی بر دامداری با توجه به عشائری بودن منطقه، افزایش شرکت‌های صنعتی و سدسازی، راه‌سازی و تمایل بیشتر جوانان به این بخش از اقتصاد در راستای درآمدزایی و همچنین کمبود اراضی قابل کشت مناسب، با توجه به کوهستانی بودن منطقه، ورود وسایل مدرن به بخش کشاورزی و کاهش استفاده از روش‌های سنتی با توجه به اینکه وسایل مردم قابل استفاده در اراضی کوهستانی منطقه نبوده، لذا میزان سطح زیر کشت نیز به خودی خود پایین آمده است که تحولات بخش کشاورزی ذکر شده، در کنار پایین آمدن انگیزه روستاییان به کشاورزی با توجه به وجود صنایع در منطقه و اشتغال‌زایی و درآمدزایی مناسب‌تر، روند مهاجرت‌ها و پایداری جمعیت روستایی را تحت شعاع قرار داده است.

روند تعداد بهره‌برداران نیز در سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ نیز روند نزولی را نشان می‌دهد به گونه‌ای که از ۱۸۷۲۶ بهره‌بردار بخش کشاورزی به میزان ۱۷۸۱۴ بهره‌بردار در سال ۱۳۹۰ رسیده است؛ که این روند خود نیز حاکی از کاهش جمعیت روستایی و همچنین تمایل کمتر به کشاورزی در منطقه با توجه به تغییرات به وجود آمده در زندگی روستاییان می‌باشد. مقایسه روند مهاجرت‌ها در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که روند مهاجرت بر اساس سرشماری ۱۳۸۵ بیشتر بوده و ۵ سال بعد این روند کاهش پیدا کرده است. به نظر می‌رسد که بر اساس سرشماری ۱۳۸۵، آبرگیری سد کارون سه در سال ۱۳۸۳ از عوامل مؤثر در تخلیه شدن بسیاری از روستاها و در نتیجه تأثیرگذاری بر روند تولیدات و کشاورزی منطقه می‌باشد. در طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ که شرکت توسعه

به دست آمده است، پس روند تولیدی محصولات با توجه به تغییرات نوین به وجود آمده، در سطح متوسط و رو به بالا می باشد؛ یعنی اینکه روند تولید افزایشی بوده است؛ که می تواند دلایل مختلف از جمله، استفاده از مواد تقویت کننده اراضی، تغییر روش ها در برخی محصولات به ویژه محصولات باغی و... اشاره نمود. در بین محصولات زراعی کشت برنج با میانگین ۱/۹۶ در بین چهار محصول زراعی عمده منطقه، در رتبه اول، قرار دارد که روند افزایشی آن نسبت به دیگر محصولات بیشتر بوده است. همچنین در بین محصولات باغی، کشت انار روند افزایشی با امتیاز، ۲/۲۹ را نشان می دهد. در بین تولیدات دامی عمده، نیز گاو شیرده با میانگین ۱/۷۹ شرایط متوسطی را دارا و در واقع روند مناسبی دارد.

میزان تولیدات زراعی و باغی همچنین دامی و میزان تأثیر گذاری بر روی مهاجرت ها، به طور کلی تحت یک سؤال مشخص نیز بعد از تعیین شدن روند تولیدات مطرح گردید که بیش ۳۶/۳ درصد پاسخگویان، تأثیر گذاری خیلی زیاد را اشاره داشته اند؛ یعنی اینکه روند تولیدات کشاورزی را در روند افزایشی مهاجرت ها مؤثر دانسته اند. همچنین ۲۶/۹ درصد زیاد، ۱۹/۷ درصد متوسط و ۱۷/۱ درصد تأثیر گذاری کم را انتخاب نموده اند.

تأثیر اقتصاد بخش کشاورزی در روند مهاجرت ها

مطالعه وضعیت اقتصادی بخش کشاورزی در روند مهاجرت های روستایی به کمک پارامترهایی چون فناوری، میانگین درآمد و پس انداز سالانه خانوارها از بخش کشاورزی، درآمد حاصل از فروش محصولات زراعی و باغی، دامداری و مواد لبنی، اشتغال زایی بخش کشاورزی، بیمه کشاورزی و دامداری، تسهیلات بخش کشاورزی (وام، کود، سم و...)، توپوگرافی منطقه، مالکیت اراضی و... در قالب طیفی چهار گزینه ای (کم ۱، متوسط ۲، زیاد ۳ و خیلی زیاد ۴) صورت گرفت (لازم به ذکر است در سؤالات پرسشنامه میزان تأثیر گذاری متغیرها (مانند کمبود درآمد،

بر اساس اطلاعات میدانی بیشترین افراد نمونه (۴۶/۶ درصد) گفتند که مهم ترین گروه مهاجرت کننده روستایی جوانان تازه ازدواج کرده هستند. ۲۶/۱ درصد تحصیل کردگان، ۱۶/۲ درصد میان سالان و ۱۱/۱ درصد بزرگ سالان را مهم ترین قشر مهاجر روستا- شهری اعلام نمودند.

طبق اطلاعات پرسشنامه بیشترین افراد نمونه (۴۵/۷ درصد) عامل ماندگاری خود در روستا را وابستگی اجدادی و انسانی به محیط روستا، بعد از آن نداشتن منبع درآمد جهت مهاجرت به شهر و در دست آخر کشاورزی و وابستگی اقتصادی به زمین را از جمله مهم ترین عوامل ماندن خود در روستا اعلام کردند که نسبت اظهارات افراد در هر کدام از عوامل به ترتیب ۳۳/۸ درصد و ۲۰/۵ درصد می باشد.

همچنین در مورد میزان تأثیر گذاری کوهستانی بودن اراضی و کاهش روش سنتی کشت، نیز ۴۵/۷ درصد میزان تأثیر گذاری این متغیر را خیلی زیاد، ۲۴/۸ درصد زیاد، ۱۷/۱ درصد حالت متوسط و ۱۲/۴ درصد نیز میزان تأثیر گذاری را کم ارزیابی نموده اند. از نظر میزان درآمد سالانه حاصل از بخش کشاورزی، ۲۳/۹ درصد اظهار کردند که درآمدشان کمتر از ۵۰۰ هزار تومان، ۴۱/۹ درصد درآمدشان را بین ۵۰۰ هزار تا ۱/۵ میلیون، ۲۵/۶ درصد بین ۱/۵ تا ۲/۵ میلیون و ۸/۵ درصد بیشتر از ۲/۵ میلیون تومان اعلام نمودند.

بررسی روند تولیدی محصولات کشاورزی

برای مطالعه روند تولیدی محصولات کشاورزی از محصولات عمده کشاورزی در منطقه که شامل محصولاتی از جمله، جو، گندم، برنج، عدس، انار، انگور، سیب درختی، انجیر، زردآلو، بز، گوسفند و گاو شیرده می شود، استفاده شد. برای بررسی روند تولیدی این محصولات از قالب طیفی سه گزینه ای (افزایش یافته ۳، بدون تغییر ۲، کاهش یافته ۱) بهره گرفته شد. طبق اطلاعات (جدول شماره ۴) که وضعیت محصولات عمده کشاورزی در منطقه را شامل می شود، می توان این گونه بیان کرد که از آنجا که میانگین تولیدات کشاورزی، ۱/۷۷

در بین مردم پایین آمده است که این موضوع نیز به خودی خود تأثیرگذار است. عدم جوابگویی نیازهای امروزه مردم، توسط بخش کشاورزی با میانگین ۲/۹۱، در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. ذکر این نکته لازم است که با توجه به تغییر و تحولات به وجود آمده در زیرساخت‌های کشت و زرع در طی سال‌های اخیر، تیپ کشاورزی امروزه با توجه به اراضی کوهستانی، عدم تأثیرگذاری از لحاظ مزیت‌های اقتصادی برای روستاییان و همچنین عدم برآورد نیازهای بخش اقتصاد روستایی توسط این بخش، مهاجرت‌های روستایی تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته است. جدول (۵) وضعیت شاخص‌های موردبررسی در این تحقیق را در ارتباط با وضعیت اقتصادی و زیربنایی بخش کشاورزی در زمینه روند مهاجرت‌های روستایی بیان می‌کند.

ضعف بیمه و... برافزایش مهاجرت مدنظر بوده است. بررسی‌ها در این زمینه حاکی است که درجه تأثیرگذاری شاخص‌های اقتصادی بخش کشاورزی بر روند مهاجرت‌های روستایی منطقه موردبررسی، برابر ۲/۳۹ هست (جدول ۵). در میان شاخص‌های سنجیده شده، کمبود درآمد و پس انداز سالانه حاصل از بخش کشاورزی با میانگین ۳/۲۹ در رتبه اول اهمیت در بین شاخص‌های اقتصادی تأثیرگذار در روند مهاجرت‌ها قرار می‌گیرد. بدین معنی که شاخص مذکور بیش از سایر شاخص‌ها در افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها مؤثر بوده است. تکنولوژی و ماشین آلات در بخش کشاورزی بارز ۲/۹۶ در رتبه بعدی قرار می‌گیرد. با توجه به ورود تکنولوژی به بخش کشاورزی و در نتیجه کوهستانی بودن اراضی، امکان استفاده از تکنولوژی در حد مناسب وجود نداشته است. از طرف دیگر رغبت به کشت سنتی نیز

جدول (۴): روند تولید محصولات عمده کشاورزی در منطقه

ردیف	محصولات عمده زراعی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
۱	جو	۱	۳	۱/۷۱	۰/۷۲۹
۲	گندم	۱	۳	۱/۸۴	۰/۷۵۲
۳	برنج	۱	۳	۱/۹۶	۰/۷۲۲
۴	عدس	۱	۳	۱/۶۱	۰/۶۸۷
۵	سایر موارد زراعی	۱	۳	۱/۹۸	۰/۶۹
*	محصولات عمده باغی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
۱	انار	۱	۳	۲/۲۹	۰/۷۱۱
۲	انگور	۱	۳	۱/۶۲	۰/۷۵
۳	سیب‌درختی	۱	۳	۱/۹۸	۰/۶۸۱
۴	انجیر	۱	۳	۱/۷۸	۰/۷۳۵
۵	زردآلو	۱	۳	۱/۷	۰/۷۶۲
۶	سایر موارد باغی	۱	۳	۱/۴۳	۰/۶۰۵
*	تولیدات دامی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
۱	گوسفند	۱	۳	۱/۴۸	۰/۶۶۳
۲	بز	۱	۳	۱/۷۱	۰/۷۳۱
۳	گاو شیره	۱	۳	۱/۷۹	۰/۸۶۵
	کل محصولات			۱/۷۷	

منبع، نگارندگان، یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

جدول (۵): شاخص‌های اقتصادی و زیربنایی بخش کشاورزی در محدوده مطالعه

ردیف	مورد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
۱	تکنولوژی و ماشین‌آلات در بخش کشاورزی	۱	۴	۲/۹۶	۰/۹۸۲
۲	کمبود درآمد و پس‌انداز سالانه حاصل از بخش کشاورزی	۱	۴	۳/۲۹	۱/۰۰۳
۳	پایین بودن میزان درآمد حاصل از فروش محصولات زراعی	۱	۴	۱/۹۹	۰/۹۱۲
۴	پایین بودن میزان درآمد حاصل از فروش محصولات باغی	۱	۴	۲/۰۰	۱/۰۳
۵	پایین بودن میزان درآمد حاصل از فروش دام و مواد لبنی	۱	۴	۲/۲۳	۰/۹۸۴
۶	اشتغال‌زایی جانبی بخش کشاورزی	۱	۴	۱/۷۲	۰/۹۱۵
۷	اراضی نامناسب و کوهستانی	۱	۴	۲/۱۸	۰/۹۴۶
۸	ضعف در بیمه محصولات کشاورزی	۱	۴	۱/۸۴	۰/۹۱۷
۹	کمبود تسهیلات بخش کشاورزی (وام، کود، سم و...)	۱	۴	۲/۳۱	۰/۹۴۴
۱۰	اجاره بودن اراضی و به‌صرفه نبودن از لحاظ اقتصادی	۱	۴	۲/۵۴	۱/۰۱۹
۱۱	بازار با فروش نامناسب	۱	۴	۲/۳۸	۰/۹۶۰
۱۲	عدم جوابگویی نیازهای امروزه مردم، توسط بخش کشاورزی	۱	۴	۲/۹۱	۰/۸۸۸
۱۳	عدم توجه مدیران بخش کشاورزی به نیازهای روستاییان	۱	۴	۲/۳۳	۰/۹۵۳
	کل شاخص‌ها			۲/۳۹	

منبع، نگارندگان، یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

جدول (۶): شاخص‌های اقتصادی و زیربنایی بخش کشاورزی در محدوده مطالعه

سطح معناداری آزمون	بازده اطمینان		Test valu=2.5		اختلاف میانگین
			آماره t		
	کران بالا	کران پایین			
۰/۰۰۰	-۰/۰۷۲۸	-۰/۱۴۳۳	۲۳۳	-۶/۰۴۵	-۰/۱۰۸۵

منبع، نگارندگان، یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

به‌منظور بررسی سؤال تحقیق (آیا شاخص‌های اقتصادی و زیربنایی بخش کشاورزی موجود در منطقه، در روند افزایشی مهاجرت‌های روستایی مؤثر بوده است؟) از آمار استنباطی استفاده گردید. در بررسی فرضیه این سؤال، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. حال اگر فرض کنیم که: μ میانگین واقعی متغیر تأثیرگذاری شاخص‌های اقتصادی و زیربنایی بخش کشاورزی موجود منطقه، در روند افزایشی مهاجرت‌های روستایی باشد، چون متغیر تحت بررسی مقادیری بین ۱ تا ۴ را به خود اختصاص داده، مقادیر بالاتر از ۲/۵ را به‌عنوان تأثیرگذاری شاخص‌ها (H_1) و مقادیر کمتر یا مساوی ۲/۵ را به‌عنوان عدم تأثیرگذاری شاخص‌ها (H_0) در نظر می‌گیریم. بر اساس نتایج، از آنجا که سطح معناداری به‌دست آمده برابر با ۰/۰۰۰ در سطح $\alpha = 0.05$ بوده، فرض صفر یعنی عدم تأثیرگذاری کمتر یا مساوی ۲/۵ را رد و فرض مقابل را می‌پذیریم. از طرف دیگر بازده اطمینان با توجه به اینکه بین (-۰/۱۴۳۳) و (-۰/۰۷۲۸) می‌باشد و عدد صفر را در برنمی‌گیرند، این موضوع را تأیید می‌کند. بر این اساس

متأثر می‌گردد. از طرفی نیز تسلط یک‌سویه شهر بر روستا در طی دهه‌های اخیر و در ایران مخصوصاً بعد از اصلاحات ارضی و به هم خوردن روابط متقابل شهر و روستا و وابستگی دوجانبه‌ای که در کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته و مکمل یکدیگر بودند، دست‌به‌دست هم داده و در حال حاضر به تضعیف هر چه بیشتر روستا از نظر بنیه اقتصادی و به نسبت جلوه و توسعه برتر شهری انجامیده و زمینه مهاجرت‌های روستایی شهری را فراهم، بلکه تشدید نموده است.

تحقیق حاضر نقش و تأثیرگذاری بخش کشاورزی را در پایداری جمعیت روستایی مورد توجه قرار داده است. نتایج تحقیق نشان داد که شاخص‌هایی مانند تکنولوژی، میانگین درآمد و پس‌انداز سالانه خانوارها از بخش کشاورزی، پایین بودن میزان درآمد حاصل از فروش محصولات زراعی، باغی، دامداری و مواد لبنی، اشتغال‌زایی، ضعف در بیمه محصولات، اجاره بودن اراضی، در جلوگیری از روند افزایشی مهاجرت‌ها در منطقه تأثیرگذار نبوده است و در واقع نتوانسته‌اند که به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل نمایند. همچنین با وجود روند بهبود در سطح متوسط در تولیدات محصولات، اما این موضوع نیز در روند افزایشی مهاجرت‌ها مؤثر نبوده است؛ که یکی از دلایل آن می‌تواند عدم توازن بین تولیدات و جمعیت روستایی و عدم تأمین نیازهای نوین و جدید آن‌ها باشد. این موضوع را نتایج آزمون استفاده‌شده، با سطح معناداری به دست آمده برابر با $\alpha = 0.05$ در سطح ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد. علاوه بر آنچه بیان شده باید ذکر نمود که کوهستانی بودن اراضی و کاربرد تکنولوژی روز در بهره‌وری بیشتر از آن‌ها، تغییر و تحولات به وجود آمده در زیرساخت‌های کشت و زرع در طی سال‌های اخیر، تیپ کشاورزی امروزه با توجه به اراضی کوهستانی، عدم تأثیرگذاری از لحاظ مزیت‌های اقتصادی برای روستاییان و همچنین عدم برآورد نیازهای بخش اقتصاد روستایی توسط این بخش، روند افزایشی مهاجرت‌های روستایی نیز تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته است. هرچند در کنار ضعف بخش

می‌توان گفت که شاخص‌های اقتصادی و زیربنایی بخش کشاورزی موجود منطقه، در روند افزایشی مهاجرت‌های روستایی مؤثر بوده است. توضیح اینکه با توجه به اینکه بخش کشاورزی در بیشتر شاخص‌های موردبررسی از جمله، اشتغال‌زایی، درآمد و پس‌انداز روستاییان، نامناسب بودن اراضی با توجه به کوهستانی بودن، اجاره‌ای بودن برخی اراضی، عدم زیرساخت‌های لازم، ضعف مدیریتی و همچنین تسهیلات مالی و ... با مشکلاتی مواجه است و از آنجا که این بخش توانایی لازم را در تأمین نیازهای اقتصادی روستاییان با توجه به تغییرات نیازها و امکانات نداشته است، لذا روند مهاجرت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و در واقع بخش کشاورزی نتوانسته است که با توجه به ظرفیت‌های موجود آن، به‌عنوان یک عامل مؤثر در پایداری جمعیت روستاها عمل نماید.

به‌طور کلی نتایج بیانگر آن است که بخش کشاورزی در کلیه شاخص‌های اقتصادی و زیربنایی نه تنها تأثیر فراوانی بر بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان نداشته است، بلکه در ناپایداری جمعیت روستایی از طریق افزایش مهاجرت‌های روستاییان به شهر و تخلیه سکونتگاه‌های روستایی از نیروی جوان و توانمند منجر شده است. از علل این موضوع می‌توان به مواردی همانند؛ پایین بودن درآمدها، عدم تمایل جوانان به اشتغال در بخش کشاورزی، ایجاد مشاغل صنعتی و سدسازی، جاذبه اقتصادی دیگر بخش‌ها نسبت به کشاورزی، اراضی نامناسب و کوهستانی در برخی نقاط، عدم استفاده از مکانیزاسیون در اراضی کوهستانی منطقه، پایین آمدن دامداری در روستاها و نیاز کمتر به کشت و زرع برخی محصولات، مشکلات منابع آب و ... اشاره کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مهاجرت‌های روستایی عمدتاً از عدم زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات زیربنایی مناسب در روستاها از یک‌سو و انتظار درآمد و اشتغال بهتر به همراه وجود خدمات و تسهیلات رفاهی، آموزشی و بهداشتی برتر در شهرها از سوی دیگر،

۲. جمعه پور، محمود. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، نشر سمت، تهران.
۳. جهاد کشاورزی ایذه. (۱۳۹۲). سالنامه آماری کشاورزی شهرستان ایذه، موجود در جهاد کشاورزی شهرستان ایذه.
۴. رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳). مبانی برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، نشر قومس، تهران.
۵. سعیدی، عباس. (۱۳۸۵). مبانی جغرافیای روستایی، نشر سمت، تهران.
۶. شهبازی، اسماعیل. (۱۳۷۲). توسعه و ترویج روستایی، نشر دانشگاه تهران، تهران.
۷. قاسمی اردهابی، علی. (۱۳۸۵). بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فرا تحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۱۳۵۹-۸۳). فصلنامه روستا توسعه. بهار ۱۳۸۵. ۹(۱)، صص ۵۱-۸۰.
۸. لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت. انتشارات نوید شیراز، شیراز.
۹. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران.
۱۰. معاونت برنامه‌ریزی استانداری خوزستان. (۱۳۹۲). گزارش اقتصادی، اجتماعی شهرستان ایذه، موجود در فرمانداری ایذه.
۱۱. میکائیکی، جواد و صادقی، حجت ا... (۱۳۹۱). تعیین الگوی مراکز خدمات روستایی با رویکرد تناسب اراضی به روش AHP، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره دوم، صص ۶۷-۴۹.
۱۲. میکائیکی، جواد و قالیبافان، حسن. (۱۳۸۲). اثرات مهاجر فرستی بر ساختار جمعیت مناطق روستایی، نشریه جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان ۸۲، صص ۱۷۹-۱۶۵.
۱۳. نگینی فرد، معصومه. (۱۳۹۰). بررسی نقش اقتصادی محصولات استراتژیک و اثر آن در توسعه روستایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور واحد بیرجند.

14. Balan, Jorge, (1996), Demographic trends and migratory movements form Latin, America and Carabian, OCDE, International conference on migration, Rome.

15. Contò, F et al. (2011), the role of education, knowledge and human resources for the agricultural development in the perspective of

کشاورزی، جذابیت‌های دیگری از جمله شغل مشخص و سالیانه، درآمد بالاتر همراه با بیمه و انواع مزایا در صنایع ایجاد شده به‌ویژه سدسازی در طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۰ (سد کارون سه و چهار و شرکت‌های وابسته به آن‌ها) در منطقه، نیز بر روند افزایشی مهاجرت مؤثر بوده و در واقع این‌گونه می‌تواند بیان کرد که بخش کشاورزی با توجه به ضعف در چارچوب آن، در کنار اشتغال‌زایی‌های مناسب ایجاد شده، از لحاظ اقتصادی برای جوانان در صنایع سدسازی، سبب شده، است که روند مهاجرت‌ها تشدید شود و بخش کشاورزی جوابگوی نیازهای جوانان روستایی نباشد. در واقع این بخش دلیل مناسبی برای پایداری جمعیت شناخته نشود.

در راستای نتایج تحقیق پیشنهادهایی مطرح می‌شود.
۱- ایجاد تسهیلات لازم و تشویق برانگیز در بخش کشاورزی برای پایداری جمعیت و همچنین مهاجرت عکس از شهر به روستا؛

۲- برنامه‌ریزی و ارائه خدمات کارشناسی به روستاییان برای کشت و زرع محصولات خاص به‌ویژه در اراضی کوهستانی و باقابلیت استفاده کمتر از تکنولوژی روز؛

۳- استفاده از اراضی حاشیه آبیگری سد کارون سه و حمایت از روستاییان جهت بهره‌وری و راه‌اندازی کشت‌های آبی؛

۴- حمایت از روستاییان برای فروش برخی محصولات که امروزه در منطقه، مشکلاتی از این قبیل وجود دارد؛

۵- اشتغال‌زایی با درآمدزایی بالاتر وابسته به بخش کشاورزی برای جوانان در راستای ماندگاری در روستا و انجام حمایت‌های لازم در این زمینه؛ مانند هزینه‌سراشته خدمات صنعتی و کوچک محصولات کشاورزی.

منابع

۱. بیک محمدی، حسن و مختاری ملک‌آبادی، رضا (۱۳۸۲). تحلیلی جغرافیایی بر روند مهاجرت در استان خوزستان، مجله جغرافیا و توسعه، زاهدان، صص ۳۶-۲۱.

a case of study in a semiarid Mediterranean landscape, *Ecological Indicators*, 8 :672 – 685.

22. Ivo, G., Tito, Z., Miroslav, T., Jerko, M., Josip, J., (2010), Quality of life in rural areas of Croatia: To stay or to leave? , *African Journal of Agricultural Research*, 5 (8) , pp. 653-660.

23. Keenleyside, C and Tucker, G.M., (2010), »Farmland abandonment in the EU: an Assessment of Trends and Prospects«, Report prepared for WWF. Institute for European Environmental Policy, London.

24. Lewis, W. A. (1954); Economic development with unlimited supplies of labor, *Manchester School of Econ., Social study*, 22: 139-192.

25. Richardson, D (2006) .The Internal and Rural and Agricultural Development, FAO: Rome, Communication for Development .

26. shivr ,Mehta, (2005), *Rural Development policies and program* sage publication, London.

new CAP: an hypothesis of change in Basilicata, *Educational Research*, Vol. 2(12) pp. 1773-1783, Available online at: <http://www.interestjournals.org/ER>.

16. Devitiis B, Maietta OW .(2009). Capitale umano e produttività del lavoro agricolo nelle regioni dell'Unione Europea, *Agriregionieuropea*, 5: 16.

17. Eskandari, J., Deinpanah, A., (2006) .The Survey of Effective Factors on Motivation Creation for Rural Young Employment of Esfahan Province 16(2), *Journal of Jihad, Tehran*, pp. 10-13.

18. Fei, J. C. H., and Ranis, G. (1961); a Theory of Economic Development, *Am. Econ Rev.*, 533-565.

19. Gillis, M. et al. (1992), *Economic Development*, W.W. Norton Company Ltd.

20. Irish LEADER Network, (2000), *Strategic Plan*, *Journal of Rural Studies*, 14 (1), pp. 10-14.

21. Itziar, D., Aranzabal, A., Mari´a Fe, Schmitz, A, Pedro, A, Francisco, D., Pineda (2008). Modeling of landscape changes derived from the dynamics of socio-ecological systems

